



www.  
www.  
www.  
www.  
Ghaemiyeh  
.com  
.org  
.net  
.ir



## بے سوی دولت گریمه

حضرت ایت الله العظمی  
حاج اکا سعفان مدنی حیدری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴): به سوی دولت کریمه

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴): به سوی دولت کریمه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	سخنی با منتظران
۲۰	امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود
۲۰	اشاره
۲۲	امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود
۲۲	اشاره
۲۶	تذکر لازم
۲۷	۱: قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است
۲۹	۲: حاکم خلیفه الله و امام زمان است
۳۳	۳: امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه ای وجود ندارد
۴۲	۴: حذف تجمل گرایی
۴۲	اشاره
۴۷	تذکر و رفع اشتباه
۵۲	۵: امنیت و صلح عمومی
۵۳	۶: شکوفایی وضع اقتصادی
۵۴	۷: همه خدا را می پرستند
۶۳	۸: قسط و عدل جهانی
۶۸	به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه
۷۰	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : به سوی دولت کریمه/لطف الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری : ۶۴ ص

فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۴

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۶۲-۶۰۰-۱-۵۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۰۵۴۹۹

ص: ۱

## اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم



سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴)

به سوی دولت کریمه

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

سلسله مباحث امامت و مهدویت

نام کتاب: به سوی دولت کریمه

مؤلف: آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

صفحه آراء: امیر سعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

چاپخانه و شمارگان: وفا / ٢٠٠٠ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول / بهار ١٣٩٠

قیمت: ٧٠٠ تومان

شابک: ٩٧٨ ٩٦٤ ٩٧٣ ٣٠٨

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

تلفن و نمابر: ٧٢٥٣٧٠٠، ٧٢٥٣٣٤٠، ٠٢٥١

قم صندوق پستی: ٦١٧

## فهرست مطالب

سخنی با منتظران ۷ ۰۰۰

امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود

امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود ۱۷ ۰۰۰

تذکر لازم ۲۱ ۰۰۰

۱: قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است ۲۲ ۰۰۰

۲: حاکم خلیفه الله و امام زمان است ۲۴ ۰۰۰

۳: امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه ای وجود ندارد ۲۸ ۰۰۰

۴: حذف تجمل گرایی ۳۷ ۰۰۰

تذکر و رفع اشتباه ۴۲ ۰۰۰

۵: امنیت و صلح عمومی ۴۷ ۰۰۰

۶: شکوفایی وضع اقتصادی ۴۸ ۰۰۰

۷: همه خدا را می پرستند ۴۹ ۰۰۰

۸: قسط و عدل جهانی ۵۸ ۰۰۰

به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه ۶۳ ۰۰۰



## سخنی با منتظران

برادر و خواهر عزیز که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت و مولای همه، حضرت صاحب الامر مهدی عليه السلام هستی، به یاد آن زمان و آن عصر الهی اشک شوق می ریزی و آرزو می کنی در التزام رکاب آن حضرت به درجه رفیعه شهادت بررسی، در روزهای عید فطر و قربان و غدیر و هر روز جمعه دعای ندبه [\(۱\)](#) را عاشقانه با آن شور و سوز و گریه و ندبه می خوانی و با هر وسیله ممکن می خواهی ارتباط خود را با آن حجت خدا، زنده و زنده تر سازی.

درود بر تو و آفرین بر احساسات پاک و تابناک

«ثبتك الله على هذه الحاله النوريه الروحانيه لقد فرت فوزا عظيما».

عزیزان منتظر! شما که به حق، رضای امام زمان ارواحنا فداه را فوز اکبر می دانید، ویژگی هایی که در این نوشتار می خوانید برخی از

۱- دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت حضرت قائم عليه السلام ... منقول است که سنت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند (یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر). زاد المعاد علامه مجلسی رحمة الله ، ط اسلامیه، ص ۴۹۱.

خصوصیات نظام و جامعه ای است که شما منتظر آن هستید؛ هر کس در خط ولایت و انتظار قدم برمی دارد، باید آن ویژگی ها را بشناسد و خودش را با توجه به آنها، به طوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود، بسازد؛ باید همه این ویژگی ها را دوست داشته و برای تحقق آنها در جامعه و کشور و شهروندی تلاش نماید؛ کسانی که به ارزش های ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند، باید در وضع خود تجدید نظر کنند و با گرایش به ارزش های اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار نشان بدهند و با اجرای احکام الله و اقامه عدل و قسط و احراق حقوق و ساده زیستن و حفظ شخصیت اسلامی خود، رضای آن آقای عزیز و موعود انبیا را فراهم نمایند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعْزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ»<sup>(۱)</sup>

«خداؤندا ما دولت با کرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن اسلام و اهلش را عزیز گردانی».

یکی از برنامه های مهم رسالات انبیا، خصوصا رسالت رسول خاتم صلی الله علیه و آله، سوق دادن جامعه اسلامی به سوی امت واحده و دولت عدل جهانی است که این برنامه در متن دعوت اسلام قرار گرفته و به طور حتم و یقین با ظهور حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه این

۱- مفاتیح الجنان، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، دعای افتتاح.

جامعه و حکومت برقرار می شود و دنیا تحت یک نظام و قانون واحد و امت واحده اداره خواهد شد؛ این وعده الهی است که قرآن کریم و احادیث بسیار و متواتر بر آن دلالت و صراحة دارند.

از جمله در سوره توبه آیه ۳۳ و در سوره صاف آیه ۹ می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْدِّينِ كُلِّهِ»؛

«او (خدا) کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا اینکه دین حق را بر هر دین دیگر غالب نماید».

اهل ادب می دانند: اگر لام در "لیظهره" لام غایب و نهایت باشد، مفاد آیه این است که: این دین حق پیش می رود تا خدا آن را به نهایت کمال برساند و بر همه ادیان غالب گردداند. و اگر لام برای تعلیل باشد، باز هم علت غایی فرستادن پیامبر را که غلبه یافتن دین او بر همه ادیان است، بیان می نماید.

و نیز در همین دو سوره وعده می دهد: تلاش های کفار که می خواهند با دهان های خود نور خدا را خاموش کنند، نقش بر آب و بی نتیجه خواهد شد و خدا نورش را تمام و کامل می گردداند.

در سوره انبیاء، نور، قصص، صفات و سوره های دیگر قرآن، آیات متضمن وعده و بشارت به این ظهور و این حکومت الهی بسیار آمده است.

و در احادیث معتبر که در جوامع حدیث و صحاح و مسانید شیعه و سنی روایت شده، نیز این وعده به صراحة داده شده است.

در تأکید بر حتمیت این ظهور و اینکه وقوع آن هرچند به تأخیر افتاده تخلف ناپذیر است، یکی از روایات معروف که اشعار به امتداد بسیار طولانی زمان قبل از ظهور دارد، به این مضمون است:

«اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن قدر آن را طولانی

و دراز می نماید تا امام موعود ظهور نماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید، چنان که پر از ظلم و جور شده است».<sup>(۱)</sup>

بدیهی است: شخص مؤمن به خدا و رسول؛ نه وقوع این ظهور را استبعاد می نماید؛ چون خداوند متعال بر هر امری قادر و تواناست، خدایی که این عوالم بزرگ و کوچک و این میلیاردها و میلیاردها کهکشان ها و منظومه ها را آفریده و عجایب و نیروهایی که در ذرات این عالم و اتم ها خلق کرده است، عقل بشر را به حیرت انداده و کوچک ترین مخلوق او، اندیشه های همه کاوش گران را به خود مشغول ساخته است، قادر است مقدمات و تمام اسباب این ظهور را فراهم نماید.

ونه در صدق پیامبری که وعده های بسیارش از غیب و آینده جهان و اشخاص به وقوع پیوسته، شک و تردید می نماید؛ چون واضح است زمینه تصدیق پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از وقوع این همه خبرهای غیبی قرآن کریم و خود آن حضرت و امیر المؤمنین علی علیه السلام برای کسانی که در

۱- مراجعه شود به مجموعه احادیث در این مورد به کتاب «معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام»، ج ۱، احادیث النبی صلی الله علیه و آله .

بسیاری از این وعده‌ها، صدق آن حضرت را تجربه کرده و در ک نموده‌اند، به مراتب زیادتر و وسیع‌تر از آغاز ظهور اسلام و اعلام این وعده‌هاست. با این حال، مسلمانان مؤمن و روشن‌دش که به آن حضرت ایمان آورده بودند، به وهمه وعده‌های آن حضرت ایمان محکم داشتند.

توضیح‌اضافه می‌شد: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز بعثت و هنگامی که خودش بود و غیر از فرزند نورسته عمومیش ابوطالب، علی علیه السلام و همسر بیداردل و آگاهش خدیجه علیهم السلام که علنا ایمان و همبستگی خود را به او اعلام می‌کردند، و غیر از ابوطالب که یگانه حامی و پشتیبان و مدافع او بود و ایمان خود را مانند مؤمن آل فرعون کتمان می‌کرد و کمتر به زبان می‌آورد، طرفدار و همراه و یار و یاوری نداشت و همه سران کفار و بت پرستان و گردن کشان قریش در برابر او بودند و دعوت او را به مسخره و استهزا می‌گرفتند و نفوذ او را در یک روستا و یک قبیله باور نمی‌کردند، در آن هنگام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد که بگویید: "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" تا مستکبران و ابرقدرت‌های جهان را از مرکب استکبار و قدرت پیاده کرده و خلع سلاح نمایید و گنج‌ها و خزاین آنها را انفاق نمایید و ... برای بسیاری غیر از آن چهار نفر (شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوطالب و علی و خدیجه علیهم السلام) این وعده‌ها از جانب کسی که در شهر و محله خودش در معرض اذیت و آزار است و قوم و قبیله اش با او به شدت به ضدیت برخاسته و هیچ لشکر و سپاه

و تجهیزات و امکانات مادی در اختیار ندارد، باور کردنی و به اصطلاح امروز واقع بینانه و دوراندیشانه نبود؛ ولی همان مردم دیدند که زمان به سرعت گذشت و در مدت کوتاه بیست و سه سال عصر رسالت، اسلام مشکلات بسیار بزرگی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت، همه اقوام و قبایل را به دین خدا فراخواند و همه فوج فوج به اسلام گرویدند و عادات ناپسندی که شمشیر و زور هیچ امپراتوری نمی توانست تغییر

دهد متروک و فراموش شد.

زن ها که در آن جامعه ضد انسانی زنده به گور می شدند، آزاد شدند. ربا و قمار و میگساری و فحشا و آدم کشی و راهزنی همه منسوخ گردید و جای خود را به اخلاق و روش های انسانی داد و از همه مهم تر و بالاتر؛ کیش بت پرستی که با خون و جان مردم درآمیخته بود، محو و نابود و همه بت ها شکسته و معدوم گردید و دین توحید، آن دل های سخت و تیره را نرم و روشن نمود و صدای دلنواز «أشهد أن لا إله إلا الله» پرده های شرک را پاره کرد؛ علاوه بر مگه و مدینه، تمام شبه جزیره در قلمرو نظام الهی اسلام قرار گرفت و دعوت آن حضرت دل ها را مسخر نمود و به آینده امیدوار ساخت. پس از آن هم قلمرو نفوذ اسلام آن گونه گسترش یافت و اسلام دل های مردم هوشمند ایران را که از مظالم نظام استبدادی شاهنشاهی و تبعیضات طبقاتی به سته آمده بودند، فتح نمود و هنوز یک قرن نگذشته اسلام از شرق تا دیوار چین و از سوی غرب به دریای آتلانتیک رسید.

با این رویدادها، همه صدق دعوت پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و قوت دعوت و نفوذ رسالت او را که از پشت پرده های ضخیم عادات و تعصیات و اخلاق رشت به درون قلوب وارد می شد و مردم را منقلب و شیفته و دلباخته اسلام می ساخت، همواره ظاهر می شد و مسلمانان با اطمینان به اینکه آتیه روشن و تابناکی در پیش دارند، به جلو می رفتد و از مهالک و انبوه لشکریان تا دندان مسلح ایران و روم و آن همه تشریفات رعب آمیز نمی هراسیدند.

این وقایع که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن خبر داده بود، صدق دعوت آن حضرت را بر همگان آشکار و آشکارتر ساخت و باورها را به نبوت و رسالت محکم تر نمود و همه را در انتظار وقوع این وعده قرآنی که اسلام بر همه ادیان غالب و حکومت عدل الهی جهانی برقرار خواهد شد قرار داد، حصول آن همه وعده ها و وقوع آن همه خبرهای غیبی را همه دیدند؛ حصول این وعده را نیز همگان خواهند دید. ان شاء الله



امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود

اشاره



## امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود

### اشاره

بر حسب آنچه از آیات و احادیث استفاده می شود، این ظهور پس از امتحانات شدید و رفتن بسیار به مدد الهی همراه با معجزات و خوارق عادات و آیات بزرگ تحقق می یابد و ویژگی هایی که دارد، اگرچه تمام در ضمن تعالیم اسلام بیان شده است و برخی از آن ویژگی ها را در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشاهده می کنیم؛ ولی فعالیت تمام آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت.

شناخت این ویژگی ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام علیه السلام دارای اصالت و اهمیت است، تا آنجا که در خبر مشهور بین مسلمین از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می شود:

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مرده است به مردن جاهلیت». [\(۱\)](#)

و فخر رازی روایت می کند از آن حضرت:

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناشد، بمیرد اگر می خواهد یهودی و اگر می خواهد نصرانی». [\(۲\)](#)

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۲۹، حدیث ۶.

۲- قال رسول الله صلی الله علیه و آله : «من مات ولم یعرف إمام زمانه فلیمیت إن شاء یهودیا وإن شاء نصرانیا»؛ رساله المسائل الخمسون فخر رازی، ص ۳۸۴، مسأله ۴۷ (این رساله در ضمن کتابی به نام «مجموعه الرسائل» در مصر به سال ۱۳۲۸ ه ق چاپ شده است).

و از نظر اسلام شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسایل مهم دیگر نیز ارزنده و مفید است.

و از این نظر که آن جامعه و آن نظام، جامعه و نظام کامل اسلامی و تمام شرعی است، نظامی الگو و اسوه و معیار و میزان است و جوامع کوچک یا بزرگ، هرچه به آن همانندتر و شباهت بیشتر داشته باشند، مشروعيت بیشتر دارند، شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند، مفید و سودمند است.

و بالاخره از این لحاظ که مؤمنان به آن ظهور و وعده الهی، مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی، چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع نامید نمی شوند و در میان طوفان های شداید و سختی های قوی القلب، بایمان، استوار و محکم، به آینده امیدوار و با قاطعیت به سوی جلو قدم بر می دارند و بر کوشش و تلاش و اقدام خود می افزایند، شایان اهمیت است.

از همه این جهات و ابعاد دیگر، شناخت این جامعه به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می نماید؛ اما در این گفتار به این فایده و وظیفه بزرگ نظر و اشارت داریم که چنین جامعه یگانه ای را که انبیای گذشته بشارت آن را داده اند و آیات قرآن مجید و روایات متواتر،

با صراحة به تحقق آن تأکید دارند و آن را اوج کمال اجتماع بشری و نظام عدل کامل الهی معرفی کرده اند.

هر کس که به آن معتقد است، باید به سوی آن گام بردارد و ویژگی های آن را در خود و جامعه متجلی سازد.

باید فاصله را با آن کم کرد و با تلاش و مجاهده به آن نزدیک و نزدیک تر شد.

باید به شدت پرهیز کنیم از اینکه فاصله ما و جامعه مان با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود و از او دور باشیم.

باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است، ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه ای خود را بسازیم و تلاش نماییم؛ و این است معنای صحیح انتظار.

اصلًا یکی از فواید بزرگ معرفت پیغمبر و امام و یکی از حکمت های گرینش پیغمبر و امام از خود بشر همین است که آنها اسوه باشند و رفتار و روش و سیره آنها علاوه بر گفتار و تعلیمات قولی آنان هم راهنمای زندگی باشد که در قرآن مجید می فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُشْوَهٌ حَسَنَةٌ»<sup>(۱)</sup>

«البته شما را در اقتدا کردن به رسول خدا خیر و سعادت بسیار است».

و هم می فرماید:

﴿وَلَوْ جَعَنْنَا مَكَانًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَّبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«چنانچه فرشته ای نیز به رسالت بفرستیم، هم او را به صورت بشری درآوریم و بر آنان همان لباس که مردمان پوشند، می پوشانیم».

بلکه در معرفت خداوند متعال که بالذات کمال انسان است و نهایت همه کمالات است و بالاتر از آن کمالی نیست، همین کیفیت برای شخص خداشناس ارزنده است که با معرفت به اسماء الحسنی و صفات علیای الهی، چنان که فرموده اند: «تَحَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»؛ تخلق به این اسماء و صفات را وجهه همت قرار می دهد؛ مثلاً چنان که خداوند ستار العیوب و غفار الذنوب و حلیم و علیم و بخشنده و مهربان و شکور و محسن و ... است، بنده خداشناس و کمال دوست او نیز خود را به این صفات متحلّی می سازد.

معرفت امام وقت و صاحب عصر و ولی امر و آن موعود عظیم الشأن نیز باید همین اثر را داشته باشد و کیمیایی باشد که مس وجود دوست و متنظران او را به طلای اصل و خالص مبدل نماید.

باید در شخص عارف به آن حضرت و سیره و اعمال و برنامه های آن بزرگوار، عملاً علاقه به آن اخلاق و روش ظاهر باشد که از صمیم جان مشتاق حضور و عضویت در آن جامعه موعود باشد.

۱- سوره انعام، آیه ۹.

بنابراین معرفت امام عصر، حضرت مهدی موعود ارواح العالمین له الفداء و شناخت و ویژگی های ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می کند و جامعه ای را که به وجود می آورد، برای ما که در عصر غیبت و عصر امتحان زندگی می کنیم، بسیار سودمند و لازم است.

هم راهنمای و خط دهنده است، و هم عامل مهمی در بازداری از خطا و گناه و اخلاق ناپسند، و هم مشوق میل و اقبال به کارهای نیک و عدالت و التزام و احترام به نظمات شرعیه است.

### تذکر لازم

پیش از اینکه به بیان ویژگی های جامعه موعود پردازیم، این تذکر لازم است که ویژگی های جامعه جهانی اسلامی، ویژگی های نظام و جامعه اسلامی است که باید در جهان برقرار شود و هدف های بعثت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است؛ آن جامعه جهانی ادامه تحقق اهداف انقلاب عظیم اسلام است.

آنچه از این ویژگی ها تاکنون تحقق نیافته، یا به طور کامل حاصل نشده است، به واسطه فقدان شرایط خارجی یا موانع است؛ رسیدن جامعه به آن جامعه جهانی، سیر اسلام و دعوت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که این رسالت و دعوت، به آن نقطه کمال و فعلیت اهدافی که داشته و دارد، خواهد رسید.

و ما ذلک علی الله بعزیز

## ۱: قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است

قوانين حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که به وسیله وحی اعلام شده و احدی می تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که

«حلال محمد صلی الله علیه و آله حلال الی یوم القيامه و حرام محمد صلی الله علیه و آله حرام الی یوم القيامه».

باید همگان خصوصا هیأت حاکمه در این خط مستقیم با احساس مسؤولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند، چنان که در حدیث است، از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله که می فرمایند:

«لا یکون العبد مؤمنا حتی یکون هواه تبعا لما جئت و لا یزیغ عنه به»؛

«بنده ای مؤمن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من آورده ام باشد و از آن مایل نشود».

جلوه های بسیاری از این احساس مسؤولیت و خوف از خدا را در

## ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع و حقوق مردم مخصوصاً محروم‌ان

و مستضعفان و طبقات به ظاهر پایین اجتماع در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام دنیا مشاهده کرد که در ادای تکالیف و وظایف خود، ذرّه‌ای کوتاهی ننموده اند؛ لیکن از این مسؤولیت زمامداری به شدت نگران بوده و می‌گریستند، و نشان دادند که در نظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود، هیچ انگیزه‌ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن برنمی‌انگیخت.

در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریت‌ها در سطوح مختلف، درس‌های بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیرالمؤمنین علی علیهمما الصلاه و السلام داریم که متأسفانه به خاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معدوریم.

## ۲: حاکم خلیفه الله و امام زمان است

حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام مدینه در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، نایب خدا و خلیفه الله است که عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آئینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است.

علامه حلی قدس سرہ (۱) در کتاب الفین، یک هزار دلیل محکم اقامه فرموده است که: امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه باید به آن متّصف و متّحّلی باشد و در این امت برای احدي غير از فاطمه زهرا و ائمه اثنی عشر علیهم السلام که امامت و خلافت آنها برحسب صدّها حدیث معتبر منصوص است قابل اثبات نیست.

واز جمله آیاتی که بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر

۱- شرح حال علامه حلی در تمام کتاب های رجال و تراجم و معاجم مضمبوط است.

آن نظام منصوص که یگانه نظام مشروع است بر آن استناد شده است، این آیات است:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِيآِ إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْنَ لَا يَهْدِيآِ إِلَّا أَنْ يُهْدِي﴾<sup>(۱)</sup>

«آیا کسی که راه می نماید (مردم را) به سوی حق، سزاوارتر است که از او پیروی کنند، یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آن که راهنمایی اش کنند».

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

«آیا یکسانند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند؟!».

﴿وَإِذْ ابْتَلِيَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَاماً قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۳)</sup>

«(به یاد آور) زمانی که آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند، پس او به انجام رسانید آنها را، خدا گفت: البته من قرار دادم تو را برای مردم پیشوا (در دین). ابراهیم گفت: و از فرزندان من نیز (چنین فرما). خدا گفت: نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران».

بدیهی است مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت الله است، به

۱- سوره یونس، آیه ۳۵.

۲- سوره زمر، آیه ۹.

۳- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

کسی اعطای می شود که از همه صالح تر و عالم تر و پاک تر باشد و سوابق سوء و انحراف از حق در پرونده زندگی اش ثبت نشده باشد.

در این نظام، در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است و با وجود اصلاح و آلیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطای نمی شود.

از خیانت های بزرگ در دایره این نظام، این است که: مقام و منصبی به کسی اعطای شود در حالی که شخص دیگری برای تصدی آن مقام صالح تر از او باشد، چنان که قبول هر مقام و منصب با علم به صلاحیت و کفایت بیشتر دیگری نیز جایز نیست و در نظام اسلام، هیچ کس خود را به جای صالح تر از خود معرفی نمی کند و نامزد مقامی که صالح تر از او برای آن نامزد شده است، نمی نماید؛ اگر هم به او پیشنهاد کنند، مردم را به اصلاح از خود راهنمایی می نماید.

این روشی است که در جوامع کنونی غیر مسلمان دنیا اصلاً دیده نمی شود و در جوامع اسلامی هم به ندرت مشاهده می شود. و در پایان مناسب است به سخن جامع و کامل خلیل بن احمد (۱) اشاره کنیم، که از او پرسیدند: دلیل بر امامت علی علیه السلام بر کل امت چیست؟

۱- در مورد خلیل بن احمد مراجعه شود به لغت نامه دهخدا و تأسیس الشیعه ص ۱۵۰ تا ۱۵۴ و ص ۱۷۸ و ۱۷۹ و نور القبس ص ۵۶ و ۵۷ که در آن کتاب، مؤلف در ضمن ترجمه او، کلام ممتاز دیگری از خلیل بن احمد، در بیان برتری امیر المؤمنین علی علیه السلام بر سایر اصحاب و تشاکل با یکدیگر و تفرد امام علیه السلام به خصائص عالی نقل نموده است.

آن مرد بزرگ این گونه پاسخ داد:

«احتیاج الكل الیه و غنائه عن الكل دلیل علی انه امام الكل»؛

«محتاج بودن همه به وی (حضرت علی علیه السلام) و بی نیازی او از همه کس، دلیل آن است که او امام و پیشوای همه است».

### ۳: امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد

امتیازات نژادی و طبقه‌ای و صنفی و القاب و عنایین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی اعتبار است؛ در برابر قانون همه با هم برابرند؛ عالم با جاهمل، عادل با فاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخصی عادی و متعارف مساوی هستند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و حکم قتل شبه عمد و خطاء، دیه است؛ قاتل هر کس که باشد و مقتول هم هر کس باشد، و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلد است؛ سارق و زانی، هر کس و فرزند هر کس و صاحب هر سابقه و وابسته به هر کس و هر فامیل باشد، حکم هر گز تفاوت نخواهد کرد.

این ویژگی جامعه بزرگ اسلامی را در سیره شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی علیه السلام در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید، در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان به طور مساوی اجرا می شد، همان‌طور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار

سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می گرفت، در اجرای

احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه به طور مساوی نگاه می شد و حتی به مجالست و معاشرت با فقرا بیشتر رغبت نشان می دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب به خدا می دانستند و به عکس مجالست با اغنية و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند، موجب دل مردگی و سقوط انسان می شمردند.

برحسب قرآن مجید و تفاسیر، ملأ و سران قریش از حضرت تقاضا کردند که از فقرا و طبقات پایین اجتماع فاصله بگیرد؛ زیرا حضور آنها را با خودشان خلاف شان و اعتبار پوچ خود می دانستند، وقتی پیشنهاد دادند که مجلس آنها با مجلس این به اصطلاح اشراف از هم جدا باشد؛ حضرت نپذیرفت و این آیه نازل شد:

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدْوَهِ وَالْعَشَّيِ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَغُدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَهُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَيْهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»؛ (۱)

«خودت را با آنها که خدا را در بامداد و شامگاه می خوانند و وجه او (قرب رضای او) را می خواهند، شکیبا بدار

و چشم هایت را از آنها برنگردان در حالی که خواستار زینت زندگی دنیا باشی، و اطاعت نکن کسی که دلش را از یادمان غافل کرده ایم (و از لذت یاد خودمان محروم ساخته ایم) و پیروی هوای خود کرده و کارش از حد گذشته و در افراط افتاده است».

در احادیث به این مضمون رسیده است که: روزی یک نفر از اغنية نشسته بود، یکی از فقرا وارد شد و در کنار او نشست. مرد ثروتمند خود را جمع کرد مثل بعضی از اهل رفاه و ثروتمندان زمان ما که از تماس با فقرا و زیردستان و هم نشینی و هم گامی با آنها پرهیز می نمایند و آن را کسر شأن خود می دانند پیغمبر صلی الله علیه و آله از این کار او ناخرسند شده، فرمودند: «ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد یا از مال و ثروت تو به او چیزی برسد».

مرد ثروتمند از آن موعظه بیدار و هوشیار شد، عرض کرد: به کفاره این عمل نصف یا تمام مالم را به او بخشیدم.

مرد فقیر نپذیرفت، گفت: می ترسم به من، آن وارد شود که بر تو وارد شده بود.<sup>(۱)</sup>

یکی از خصایص و فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که

۱- رجوع کنید به اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۱، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل الفقراء المسلمين.

خداؤند به او دوستی محرومان و فقرا را عطا کرده بود و آنها هم آن حضرت را دوست می داشتند.

یکی از نمایش های این تساوی، تواضع آن بزرگواران و مظاهر حضور آنها در اجتماع است که هیچ گونه تشریفاتی نداشتند؛ مانند فردی عادی بودند.

در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه از ساده زیستن و زهد و بی امتیازی حکایت دارد. در مقابل، زندگی ارباب جاه و مناصب دنیا و کاخ سفید و کرملین و بوگینکهام و الیزه و همه اختصاصات و تشریفات این کاخ نشین ها و هواییماهای اختصاصی و خودروهای آن چنانی و هزار و یک امتیاز دیگر را در نظر بگیرید و تعجب کنید.

آری اینها مردان دنیا و انسان های بی محتوایی هستند که اگر آن تشریفات را نداشته باشند و این جاه و جلال های ظاهری را به رخ مردم نکشند، هیچ کس برای آنها حسابی باز نمی کند؛ اما مردان خدا و رجال الهی به این ظواهر نیاز ندارند؛ عظمت روح آنها مردم را مسخر آنها و تحت نفوذ آنها قرار می دهد.

کلام گهربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار آموزنده است؛ از خوانندگان خواهشمند است مکرر آن را بخوانند و در آن تأمل نمایند.

هر گز ارباب قدرت ظاهری و وابستگان به تشریفات، نمی توانند باور کنند که مردی با این ظهور و حضور در صحنه اجتماع بتواند آن

انقلاب بی مانند فکری و سیاسی و اجتماعی را به این استحکام پایه ریزی نماید؛ که امروز پس از هزار و چهارصد سال، راه او همچنان در دنیا زنده و استحکام و استواری اش هر روز بیش از پیش ظاهرتر می شود. این او صافی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان می نماید اوصاف فریادگر توحید، و آن آورنده قرآن و آن منادی حق و عدل و حریت؛

یعنی عقل کل و خاتم رسول و شمع سبل حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

محمد کاژل تا ابد هر چه هست به آرایش نام او نقش بست

چراغی که انوار بینش از اوست فروغ همه آفرینش از اوست

همان فردی که فلاسفه و انسان شناسان جهان همه در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند و با شبی شمیل همزبان می گویند:

مِنْ دُونِهِ الْأَءْبْطَالُ فِي كُلِّ الْوَرَى مِنْ حَاضِرٍ أَوْ غَائِبٍ أَوْ آتٍ

آری، علی علیه السلام که از پیش از بعثت و در حال بعثت و بعد از بعثت با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و محرم اسرار و آگاه از پنهان و آشکار او بود، سیره و زندگانی آن حضرت را چنین توصیف می نماید:

«فَتَأَسَّسَ بِنَيَّةً كَالْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَلَقَدْ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَءْرَضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَحْكِصُ بَيْدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقَعُ بَيْدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَ وَيُزِدِفُ حَلْفَهُ...»؛<sup>(۱)</sup>

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۵۰۰، خطبه ۱۵۹.

«تأسی کن به پیغمبر خوشبوتر و پاکیزه ترت صلی الله علیه و آله ... بر روی زمین غذا می خورد و مانند بردہ می نشست و پارگی کفشه خود را به دست خود می دوخت و به دست خود جامه اش را وصله می زد و بر مرکب بی پالان سوار می شد و کسی را هم ردیف خود می ساخت...».

در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز، جلوه های بسیاری است که همه آموزنده است و یاد می دهد که چگونه باید مراقبت داشت از مقام خود، استفاده شخصی هرچند خود اراده نکرده باشد نبرد که این مقام و این منصب الهی باید در راه اطاعت خدا و خدمت به خلق قرار بگیرد.

در یکی از خطبه های نهج البلاغه است که پس از آن سخنان مشحون از علم و حکمت و معرفت، شخصی که تحت تأثیر آن علم بیکران و معارف بی پایان علوی قرار گرفت، زبان به مدح و ثنای آن حضرت گشود و متواضعانه و با تعظیم آن حضرت را مخاطب قرار داد؛ حضرت در بیانات مفصیلی که فرازها و جمله های آن انسان را تکان می دهد به او تذکر داد که با من با این الفاظ سخن نگویید و این چنین مرا مخاطب نسازید، که من و شما همه بندگان پروردگار و خدایی هستیم که غیر از او خدایی نیست و ... [\(۱\)](#)

داستان آن مردمانی که به استقبال او آمده و برنامه ای را به احترام آن حضرت انجام دادند، معروف و در نهج البلاغه مذکور است.

---

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶.

حضرت از آنها پرسید: این چه کار و برنامه ای است؟ گفتند: روش و برنامه ای است که به عنوان تعظیم و احترام از امرای خود انجام می دهیم، فرمود:

«وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَّرَاءُ كُمْ وَإِنَّكُمْ لَتَشْقُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشْقَوْنَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ، وَمَا أَحْسِرَ الْمَشَقَةَ وَرَآءَهَا الْعِقَابُ وَأَرْبَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمْمَانُ مِنَ النَّارِ»<sup>(۱)</sup>

«سو گند به خدا! حکمرانان شما در این کار سود نمی برند و شما خود را در دنیاستان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می سازید (چون فروتنی برای خدا گناه و مستلزم عذاب است) و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای خدا) که پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) که همراه آن اینمی از آتش (دوزخ) باشد».

همچنین حکایت است که حضرت علی علیه السلام سواره و در حال حرکت بود، شخصی عرایض و مطالبی را که داشت، به عرض ایشان رسانید، سپس به احترام در رکاب آن حضرت پیاده می رفت؛ امام علیه السلام او را نهی کردند؛ چون برای او ذلت و برای والی و حاکم فتنه است. بدیهی است که آن حضرت از اینکه تحت تأثیر این برنامه ها قرار بگیرد و این برنامه ها مقام و منصب او را عوض کند، منزه و مبیا بود.

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۹۴، حکمت ۳۶.

علی علیه السلام بود که می فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ أُغْطِيَتُ الْأَقْلَيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَغْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَهُ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَهُ مَا فَعَلْتُهُ وَإِنَّ دُنْيَا كُمْ عِنْدِي لَاءُهُوَنُ مِنْ وَرَقِهِ فِي فَمِ جَرَادِهِ تَقْضِمُهَا مَا لِعَلِيٍّ وَلِعِيمٍ يَفْنِي وَلَذَّهُ لَا تَبْقَى»؛<sup>(۱)</sup>

«سو گند به خدا! اگر هفت اقلیم را به هرچه در زیر آسمان های آنها است، به من بدهند؛ برای اینکه خدا را درباره مورچه ای که پوست جوی از آن بربایم تا نافرمانی نمایم، نمی کنم و به تحقیق دنیای شما نزد من پست تر و خوارتر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن را می جود. چه کار است علی را با نعمتی که از دست می رود و خوشی که برجا نمی ماند!».

بلکه برای سرمشق به دیگران و به هم نزدیک کردن راعی و رعیت و زمامدار و جامعه این برنامه ها را پیاده می کردند و این سخنان و تذکرات را می دادند؛ مبادا در جامعه اسلامی کسی را جاه و مقام سست نماید.

خطری که در اسلام به بزرگان و همه صاحبان مقامات و زیرستان از هجوم آن هشدار داده اند، که حتی فرموده اند:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَنَّصَرَ بِالرِّجَالِ مِنْ حَفْقِ النَّعَالِ»؛

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۷۰۵، خطبه ۲۱۵.

«چیزی ضرر زننده تر به شخصیت ها از صدای کفش مردم که پشت سرshan می روند، نیست».

در این رابطه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که: «کانَ يَسُوقُ أَصْحَابَهُ». ابن اثیر می گوید: معنایش این است که حضرت اصحاب خود را جلو می انداخت و از روی تواضع و فروتنی، خودش پشت سر آنها می رفت و احده را نمی گذارد که پشت سرش راه برود.

در این موضوع سخن بسیار است؛ اما جهت اینکه سخن از این طولانی تر نشود، به همین اندازه اکتفا می کنیم. کیست که اندکی مطالعه در تاریخ و سیره پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام داشته باشد و تفاصیل بسیار از این حقایق را نداند؟! اینها که گفتیم، از ویژگی های جامعه اسلامی است که بشریت به طور متعالی در آن جامعه موعود جهانی به آن خواهد رسید.

## ۴: حذف تجمل گرایی

### اشاره

در جامعه جهانی اسلام، تجمل گرایی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرایی‌ها و مهمانی‌ها و مراسم دیگر و لباس و پوشاسک و مرکب و مسکن و ... مطرود است. اموری که در زمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عواید از هزینه و مخارج است؛ حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می‌شود، نیز رقابت در پذیرایی‌های کمرشکن رایج شده است، به طوری که مصیبت صاحب عزا دوچندان می‌شود!

در حالی که هزارها جوان دختر و پسر بی همسر، به واسطه فقر از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفاسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همه جامعه و امنیت را تهدید می‌نماید. ملاحظه می‌شود که برخی مرفهان در مجلل ترین هتل‌ها مبالغی را صرف می‌نمایند که با آن می‌شود خانواده‌هایی را از فقر نجات داد. روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد، فسادهای بسیار گریبان گیر آن جامعه می‌شود.

تحریم اسراف و تبذیر و تشویق به اقتصاد و میانه روی، و هدایت

مردم به استفاده های صحیح از مال و سرمایه که موجب استحکام بنیان اجتماع و بی نیازی از بیگانگان می شود و تعالیم بسیار دیگر، همه در کنترل این گرایش مردم به تعجّل پرستی و حفظ اعتدال مؤثر است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است:

«نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَئْنِيَاءِ وَالْأَءُولَيَاءِ بُرَآءُ مِنَ التَّكَلُّفِ»<sup>(۱)</sup>

«ما گروه پیغمبران و اولیا از تکلف بیزاریم».

در سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ساده زیستن و دوری از تجملات حکایت های آموزنده بسیار است که با توجه به آن، نمی توان کسانی را که تجملات خانه و اتاق و نیز محل کارشان، بسا به میلیون ها بالغ می شود و در انواع تنعمات خارج از اندازه و غیر لازم؛ و بلکه لغو با وسایل تفریحی و سرگرمی گران بها غرق و غافل زندگی می کنند، به راستی تربیت شده مکتب آن حضرت شمرد.

پیشوا و پیامبری که هنگام بازگشت از سفر، وارد خانه یگانه فرزند عزیزش که از بس او را دوست می داشت، هر وقت از سفری می آمد، اوّل به دیدار او می شتافت و در هنگام عزیمت به سفر آخرین کسی را که با او وداع می کرد، او بود شد و به دیدار او رفت، پرده هایی که بر در خانه دختر عزیزش آویخته بود، مشاهده کرد، از خانه بیرون آمد، وقتی

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۴.

فاطمه زهرا علیها السلام آن پرده ها را نزد آن حضرت می فرستند که به اهل صفة و یا فقرا بدهد، خوشحال و مسرور می شود و می فرماید: «فِدَاهَا أَبُوهَا».

معلوم است چقدر به زندگی دور از تکلفات و ساده اهمیت می داده است. او همان بزرگواری است که وقتی با آن همه عظمت و شوکت و قدرت مکه را فتح می کند در حالی که آن لشکر مجهز را که از جهت تجهیزات و نفرات تا آن زمان شبه جزیره به خود ندیده بود زیر فرمان داشت و همه اشراف مکه افتخار می کردند که از او مانند بزرگ ترین ابرقدرت ها با تشریفات و غذاهای رنگارنگ و سفره های گسترده پذیرایی نمایند؛ در چنین موقعیتی آن بندۀ خالص و متواضع خدا در آن روز بزرگ و تاریخی، به خانه ام هانی دختر مکرمہ ابوطالب و خواهر امیر المؤمنین علی علیه السلام می رود که بر حسب بعض اخبار همان خانه ای است که معراج و عروجش به عالم بالا از آنجا واقع شد وقتی بر او وارد شد و تقاضایی را که او در مورد پناهندگان به خانه اش داشت، پذیرفت و فرمود:

«هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعَامٍ تَأْكُلُهُ؟»

«آیا طعامی داری که از آن بخوریم؟»

عرض کرد:

«لَيْسَ عِنْدِي إِلَّا كَشْرَهُ يَا سَهْهُ، وَإِنِّي لَا إِسْتَحْيِي أَنْ أَقَدِّمَهَا إِلَيْكَ؛

«غیر از نان پاره های خشک ندارم و من حیا می کنم که با آنها از شما پذیرایی کنم».

فرمود:

«هَلْمِي بِهِنَّ؟»

«همان نان پاره ها را بیاور».

و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن نان پاره ها را در مقداری آب تریت کرد، ام هانی

قدری نمک هم حاضر کرد، سپس فرمود:

«هَلْ مِنْ أَدَمَ؟»

«آیا نان خورش است؟»

ام هانی عرض کرد: غیر از مقداری سرکه چیزی حاضر نیست، فرمود: بیاور آن را! سپس آن را بر روی آن نان ها ریخت و از آن میل فرمود، پس از آن، حمد خدای عزوجل را به جا آورد و فرمود:

«نَعَمُ الْأَءَادَمُ الْخَلُّ يَا أُمَّ هَانِي! لَا يَقْفِرُ بَيْتُ فِيهِ خَلُّ»؛<sup>(۱)</sup>

«خوب نان خورشی است سرکه، خانه ای که در آن سرکه باشد، خالی از نان خورش نیست».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز همین سیره و روش را داشت؛ در وقتی که خلافت ظاهری هم در اختیار او قرار گرفت، معاش و لباس و برخورداری های او از دنیا همان بود که همه شنیده و خوانده اید.

روزی احنف بن قیس بر معاویه وارد بود، هنگامی که سفره انداختند، در آن همه رنگ غذا دیده می شد که احنف از آنها تعجب کرد،

از آن جمله یک رنگ غذایی بود که احنف آن را نشناخت، از معاویه پرسید، در جواب گفت: این روده‌های مرغابی است که از مغز آن را پر کرده، و با روغن پسته سرخ شده و شکر بر آن پاشیده‌اند.

احنف به گریه افتاد، معاویه از سبب گریه او پرسید، گفت: به یاد علی علیه السلام افتادم که روزی در خدمت او مشرف بودم، وقتی هنگام افطار شد، از من خواست که در خدمتش باشم، اینانی سر به مهر نزد او آوردند، پرسیدم: در این اینان چیست؟ فرمود: اردی است از سبوس جو. از سر به مهر بودن آن پرسیدم، فرمود: می‌ترسم حسن یا حسین آن را به روغن مخلوط نمایند.[\(۱\)](#)

علی علیه السلام خودش لباس خود را وصله می‌زد، وقتی ابن عباس آن حضرت را در حال اصلاح کفش خود دید، به ابن عباس فرمود:

«ما قِيمَهُ هَذَا النَّعلُ؟»؛

«این کفش چقدر قیمت دارد؟»

عرض کرد:

«لا قِيمَهَ لَهَا»؛[\(۲\)](#)

«بهایی ندارد».

فرمود:

---

- ١- نثر الدرر، به نقل از اصل الشیعه و اصولها از آیت الله العظمی کاشف الغطاء.
- ٢- من عرض می کنم: یا امیر المؤمنین! قربان خاک راه قبرت و همه شیعیان! آن کفش بی قیمت بود، به این معنی که برای آن با جواهرات و اثمان جهان تعیین قیمت ممکن نبود، ای کاش در برابر بذل جان برای من تشرف بوسیدن آن میسر می شد.

«وَاللَّهِ أَلَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًا وَأُدْفِعَ بَاطِلًا»<sup>(۱)</sup>

«به خدا سوگند این کفش بی قیمت از امارت و فرمانروایی بر شما نزد من بهتر است مگر آنکه حقی را به پا دارم یا باطلی را دفع کنم».

یعنی این منصب و مقام وقتی ارزشی دارد که صاحب آن با آن اقامه حق و دفع باطل نماید؛ در جامعه موعود حضرت ولی عصر ارواحنا فدah نیز برنامه همین است و سیره آن حضرت همین سیره است، در احادیث آمده است:

«مَا لِيَسْ الْقَاتِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْغَلِظُ، وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَنْبُ»<sup>(۲)</sup>

«لباس حضرت قائم علیه السلام جز جامه خشن (مثل لباس جنگ) و غذای او جز غذای ناگوار (نان جو ساده و بدون خورش) نیست».

## تذکر و رفع اشتباه

مفهوم این ویژگی های جامه اسلامی و سیره های حضرت پیغمبر و ائمه طاهرين علیهم السلام این نیست که از نعمت های الهی و جمال حیات دنیا که جلوه های آن بسیار است و بی شمار و بر جمال خداوند جمال آفرین

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۲، خطبه ۳۳.

۲- غیبه النعمانی، ص ۲۳۳، باب ۱۳، حدیث ۲۰ و منتخب الاثر، ص ۳۰۷، فصل ۲، باب ۴۲، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

دلایل دارند، نباید بهره گرفت، یا به کار و فعالیت و سعی و عمل و تولید و زراعت و صناعت و علومی که جامعه به آن نیازمند است، نپرداخت و غرایز و استعدادات را حبس و ضایع و معطل نمود و گوشه گیری و کم کاری پیشه کرد. این افکار، افکاری است که اسلام با آن به ضدیت برخواسته و با تعالیم آن سازش ندارد.

در قرآن مجید می فرماید:

«فُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِيَّا أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»؛<sup>(۱)</sup>

«بگو ای پیامبر! چه کسی زینت های خداوند را که برای

بندگانش آفرید و روزی های پاک را حرام کرده است؟!».

و نیز می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا»؛<sup>(۲)</sup>

«ای رسولان ما! از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و عمل صالح انجام دهید».

همچنین کار و زحمت و انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی نیازی از دیگران و هدف های عالی تر، مثل رسیدن جامعه مسلمان به خود کفایی و رفع وابستگی اقتصادی به کفار نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است.

۱- سوره اعراف، آیه ۳۲.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

خدای تعالی در قرآن مجید می فرماید:

﴿وَلَلَّهِ الْعَزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«عزت مخصوص خداوند و پیامبر و مؤمنین است».

بدیهی است یکی از موجبات مهم عزت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خودکفایی در همه شعب زندگی است؛ چنان که از عوامل مهم ذلت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلت و حفظ آن عزت، هرچه در امکان دارد تلاش نماید.

حرص و فخر به مال و تجّهیل گرایی و حبّ دنیا که سر هر گناه است، غیر از کار و عمل به تعطیل نکشاندن قوا و استعداد است؛ و به عبارت دیگر: دنیا را برای دنیا، برای تکاشر و استکبار و استعلا به هر شکل و صورت خواستن، مذموم و ضد ارزش های والای انسانی است؛ اما دنیاخواهی برای مقاصد صحیح و هدف های مشروع و خودکفایی شخصی و عمومی ممدوح و پسندیده است.

برداشت های نادرستی که از زهد و قناعت و توکل و دعا و زیارت و عزاداری سیدالشہدا علیه السلام و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر این گونه اصطلاحات و اعمال مذهبی می شود و بعضی به اصطلاح روشنفکر، آنها را به مذهبی ها نسبت می دهند، هیچ وقت در بین نبوده و سبب ایستایی جامعه و رکون

و رکود و غرور نگشته و عرف اجتماع مذهبی همه را در جای خود شناخته است و اگر هم افرادی دیده شوند که این اصطلاحات را به مفهوم واقعی آنها نشناخته باشند، معدودند و روی برداشت آنها نمی توان داوری کرد، اینها همه در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم خاص خود را دارند.

هدف اسلام ساختن انسان الهی است، نه انسان مال و نه انسان مقام و نه انسان ماشین و تکنولوژی و سایر مظاہر مادی؛ هدف انسانی است که همه اینها را به طور صحیح و مشروع به خدمت کمال انسانی خود بگیرد که همه مظاہر زندگی، حتی جنگ او وجهه الهی داشته باشد.

«لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى».

اما تجمل گرایی همان است که: هر کس می تواند نظایر آن را در خانه های شمال بعضی شهرها و تزئینات ظاهر و داخل آنها ببیند.

حاصل سخن این است که: راه ها مشخص است و عرف مسلمان

معنای لفظ زهد و قناعت و حرص و تکاثر و تجمل و اسراف و تبذیر و موارد دیگر را تشخیص می دهد و از مظاہر زندگی و خانه و ماشین و لباس و مهمانی و عزا و عروسی اشخاص، آن را که حاصل تربیت اسلامی و محبوب خدا است، یا به آن شاهد بیشتر دارد، و آن را که به تربیت غیر اسلامی و قارون مآبی و طاغوت گرایی شبیه است، می شناسد؛ و کار و عمل و تلاش و تولید و صنعت و اختراع و کسب های مشروع را با تکاثرهای قارونی و تشریفات طاغوتی اشتباه نمی کند.

البته باید پیرامون تمام این مفاهیم و جنود عقل و جهل و تعلیمات قولی و عملی پیغمبر اکرم و ائمه طاهرين علیهم السلام و مواضع آنها در مقامات و مواجهه با جریان ها و جوّهای مختلف، همیشه تعلیم و تعلم ادامه داشته باشد و مکتب آموختن از آن بزرگواران باز و مفتوح باشد و ما در اینجا از اطاله بحث بیش از این معدوریم.

## ۵: امنیت و صلح عمومی

امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگی های دولت آقا امام زمان روحی لتراب مقدمه الفداء است، خوف ها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمانت امن قرار می گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومت های غیر الهی است از جهان ریشه کن می گردد و حکومت های طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می شود.

از اخبار و روایات استفاده می شود که:

«به واسطه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه راه ها آن قدر امن می شود که احدی حتی ضعیف ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد».<sup>(۱)</sup>

۱- مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۳۰۸، فصل ۲، باب ۴۳، حدیث ۲.

## ۶: شکوفایی وضع اقتصادی

در دولت آن حضرت، وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته، نعمت‌ها فراوان، آب‌ها مهار، زمین‌ها آباد و حاصل خیز و معادن ظاهر می‌شود، تا جایی که دیگر فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کند، باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید. و اگر اتفاقاً کسی مراجعه کرد، به خود او می‌گویند: هر اندازه نیاز دارد، دریافت کند، که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می‌شود و در مقام رد آن به خزانه برمی‌آید؛ ولی از او قبول نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

---

۱- مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۴۷۳، فصل ۷، باب ۴.

## ۷: همه خدا را می پرستند

از ویژگی های ممتاز دیگر آن جامعه جهانی این است که همگان موحد و خدا را به یگانگی پرستش می نمایند و شریکی برای او قرار نمی دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می شناسند.

وحدة لا شريك له صفتیش و هو الفرد اصل معرفتیش

شرک را سوی وحدتیش ره نه عقل از کُنه ذاتیش آگه نه

هست در وصف کبیریا و جلال شرک نالایق و شریک محال

تعالی الله یکی بی مثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند

منزه ذات او از چند و از چون تعالی شانه عما یقولون

بری از ضد وند و خویش واز کس صفاتیش قل هو الله احد بس

این یک امتیاز بزرگ و از ویژگی های جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز، همه افراد به آن ممتاز و سرفراز می باشند، همه حق را می پرستند و در پرستش حق کسی و چیزی را شریک او نمی کنند و توحید خالص و منزه و پاک از هر شایعه شرک حاکم می شود.

یکی از جامعه شناسان معروف در کتاب خود (تمدن اسلام و عرب) می گوید:

«عقیده به توحید تاج افتخاری است که در میان ادیان بر سر دین اسلام قرار دارد».

هر چند برحسب قرآن مجید، همه انبیا دعوت به توحید داشتند و موحد بوده اند؛ اما این جامعه شناس نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید منحرف و گرایش به شرک دارند؛ که اگر دین آنها براساس توحید بوده است، در حال حاضر به واسطه وقوع تحریفات، در این ادیان به شرک گراییده و موحد شمرده نمی شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ثابت و استوارند. و این فقط مسلمان‌ها هستند که بانگ دل نواز و روح پرور و معراج آفرین توحیدشان در هنگام اذان به گوش جهانیان می‌رسد و این قرآن، کتاب آسمانی مسلمان‌ها است که اعلام می‌کند که همه انبیا به توحید دعوت کرده اند:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ - وَاجْتَبِبُوا الطَّاغُوتَ»؛<sup>(۱)</sup>

«و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (اطاعت) طاغوت دوری کنید».

و می فرماید:

۱- سوره نحل، آیه ۳۶.

«شَرَعَ لَكُم مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّيْتِ بِهِ تُوْحَادُ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ  
كَبَرَ عَلَى الْمُسْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»<sup>(۱)</sup>

«خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را بربا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه دعوت می کنی، بسیاری در نظرشان بزرگ می آید».

کلمه توحید، کلمه ای است که هیچ کس بشر را به کلمه ای پربارتر و سازنده تر از آن نخوانده است؛ کلمه اخلاص، کلمه توحید، کلمه آزادی، کلمه برابری و مساوات، کلمه انسان، کلمه زمین و آسمان و کوه ها و دریاها و ستاره ها و کهکشان ها و عرش و کرسی و همه موجودات و همه کلمات است.

کلمه ای بود که از آغاز پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم را به آن دعوت فرمود؛ «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا» و تا پایان هرچه فرمود، تفسیر و تبیین و شرح این کلمه بود؛ کلمه همه آنهاست که به اسلام گرویدند و خواهند گروید، کلمه اعلام عقیده به توحید و ایمان به خدای یگانه است.

قرآن مجید در خطاب به اهل کتاب می فرماید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٌ يَبَيَّنَنَا وَبَيَّنَكُمْ أَلَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ - وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً - وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُهُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>

«باییسد به سوی کلمه ای که میان ما و شما مساوی و برابر است؛ یعنی ما و شما و همه را در یک خط و یکسان و مساوی قرار می دهد و آن این است که: پرستش نکنیم مگر خدا را و چیزی را برای او شریک نگیریم».

در اینجا چون می خواهیم ویژگی های جامعه اسلامی را بشناسیم، باید متوجه باشیم که توحید در عبادت و شریک برای خدا قرار ندادن، به این است که خدا را به عبادتی که شرع دستور داده، یا عبادیت و مناسبت آنها را با عبادت، امضا فرموده است، عبادت کنیم و از انجام این عبادات برای غیر خدا و همچنین اعمالی که مشرکان به عنوان پرستش و عبادت مشرکانه انجام می دادند، اجتناب نماییم؛ چنان که باید از برنامه های عبادی صوفیه و مدعاویان دروغین عرفان که از طریق اهل بیت و کتب حدیث نرسیده، به عنوان انجام برنامه و وظیفه و پیروی از سران این طوایف خودداری شود، که این همه مرتبه ای از شرک است. و خلاصه اقتضای توحید این است که در تعالیم قرآن

۱- سوره آل عمران، آیه ۶۴.

و احکام اسلام ذوب شویم و به هیچ جا و هیچ کس و نقطه ای غیر از خدا و پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام توجه نکنیم، و در کار دین و برنامه های زندگی فقط به آنها اعتماد نماییم؛ ضمناً نباید تعظیم و احترام از شعائر و مشاهد و بیوت و مقامات انبیا و اولیا را که قرآن و سنت بر جواز و بلکه استحباب بسیار مؤکد، حتی وجوب آن دلالت دارند با احترام و تعظیم از چیزها و اشخاصی که به خدا استناد ندارند و کتاب و سنت

آن را تأیید نمی نمایند، اشتباه کرد؛ خانه های انبیا و اولیا و اماکن مقدسه، از خانه هایی است که باید مورد احترام باشند و در آنجاها خدا یاد شود و تسبیح خدا گفته شود، چنان که آیه کریمه بر آن صراحة دارد:

«فِي بُيُوتِ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ»<sup>(۱)</sup>

«در خانه هایی، خداوند اجازه داده آنجا رفعت یابد و نام خداوند یاد شود و صبح و شام، تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند».

در روایات، از طریق اهل سنت است که: ابوبکر از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا بیت فاطمه و علی علیهم السلام از این بیوت است؟ فرمود: از فاضل ترین آنهاست.

نکته دیگری که در اینجا به آن اشاره می کنیم تا اهل انتظار فرج امام علیه السلام به آن هم توجه داشته باشند، این است که توحید در عبادت

مفهوم ابتدایی و شاید مطابقش؛ پرستش نکردن به غیر از خدا و اخلاص در عبادت حق تعالی است؛ اما به نظر وسیع تر: توحید در عبادت و خلوص آن از هر شایبه، فرمان بری از خداوند متعال است به گونه ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا است، از احدي و مقامی به عنوان اینکه خود به خود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت نماید؛ زیرا این استحقاق بالذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیا و ائمه هدی علیهم السلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به طور عام ولایت دارند، نیز از این جهت ثابت است. اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طواغیت و سلاطین و هر حاکمی که مأذون من جانب الله یا مأذون از جانب مأذون من قبل الله نباشد؛ خواه حکومت های استبدادی و فردی یا به اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد، هیچ یک با توحید در اطاعت سازگار نیست. و اگر نگوییم: همان شرک جلی در عبادت، به مفهوم واضح و مصدق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد. و شاید این معنی از این آیه هم استفاده شود:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ - وَاجْتَبِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ [\(۱\)](#)

«و به تحقیق، ما در میان هر امتی رسولی را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید».

زیرا ممکن است گفته شود که: چنین استفاده می شود که اجتناب از طاغوت به هر صورت و به هر شکل که اهن آن عبادت و اطاعت او است، مضاد عبادت خدا است؛ و مثل این آیه نیز ممکن است که به همین معنی دلالت داشته باشد:

«وَمَا أُمِرْوَا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ - مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛<sup>(۱)</sup>

«امر نشدنند مگر اینکه خدا را عبادت کنند در حالی که خالص کنندگان دین و اطاعت برای خدا باشند».

واز این میان، معنای تفسیری که از آیه شریفه ذیل شده است:

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛<sup>(۲)</sup>

«پس هر کس به لقای خداوند امیدوار است، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احده را شریک قرار ندهد».

ظاهر می شود، که فرموده اند: «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ»؛ یعنی «لا یُشْرِكْ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدًا فِي الْخِلَافَةِ»؛ نه این است که مراد از رب در اینجا، امیر المؤمنین علی علیه السلام باشد؛ چون اطلاق آن بر غیر خدا نیز جایز است؛

۱- سوره بینه، آیه ۵.

۲- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

بلکه مراد از ربّ، همان ربّ حقیقی و خداوند متعال است؛ ولی چون غیر علی علیه السلام را با آن حضرت شریک در امر خلافت و واجب الطاعه دانستن، هیچ گاه در طول اطاعت از خدا و موضوع آن قرار نمی‌گیرد، و اطاعت از غیر خدا است پس با خلوص توحید خصوصاً توحید در عبادت منافات دارد.

و مثل این روایت نیز، مسأله اطاعت از رژیم‌های مختلف غیر مشروع را اگرچه نظام اکثریت باشد آشکار می‌سازد.

حبيب سجستانی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که:

خداوند متعال فرموده است:

«لَا إِعْدَبَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْأَيْمَانِ دَانَتْ بِوْلَاهِيَّهِ كُلَّ إِمَامٍ جَاءَرِ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ...»<sup>(۱)</sup>

«البته عذاب می‌کنم هر رعیت را که در اسلام ملتزم و متدين شود، به ولایت هر پیشوای جائزی که از سوی خدا نیست؛ اگرچه آن رعیت در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد...».

خلاصه از آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که در حکومت حقّه امام عصر ارواح العالمین له الفداء و آن جامعه موعد اهداف زیر تحقق خواهد یافت:

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، باب فیمن دان الله عزوجلّ بغیر امام من الله عزوجلّ.

اولاً: در سراسر جهان خدا پرستش می شود و از شرک اثری باقی نمی ماند.

ثانیا: اطاعت مختص به خدا و نظام الهی اسلامی و ولایت منصوصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می گردد و این بساط های مشرکانه رژیم های گوناگون که همه از مصادیق آیه ذیل می باشند، برچیه می شود:

﴿إِنْ هَيْ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَيَّتُهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾<sup>(۱)</sup>

«آنها (لات، عزی، منات) جز اسم هایی که شما و پدرانتان بر بت ها نامیده اید، نیستند و خداوند هیچ دلیلی بر معبد بودن آنها نازل نفرموده است.»

بنابراین از آیه فوق استفاده می شود که: دین و اطاعت خالص برای خدا می گردد و توحید در ولایت و حکومت و سلطنت و مالکیت، همه تحقق می یابد و عالم، عالم ظهور اسماء الحسنی؛ مانند "هو الولی" و "هو الحاکم" و "هو السلطان" و "هو المالک" می گردد و ایمان همگانی به معنای "له الحکم" و "له الامر" و "له السلطان" ظاهر می شود؛ البته همه اینها معانی و اموری است که مؤمن به آن ظهور، باید تلاش کند که خودش را مناسب با آنها و با الهام از آنها بسازد و در حد ممکن، در جامعه ای که در آن زندگی می کند، آن را پیاده نماید.

## ۸: قسط و عدل جهانی

بارزترین ویژگی های آن جامعه موعود و دولت کریمه، گسترش جهانی قسط و عدل است که در بیش از یک صد خبر به آن تصریح شده است. از جمله در بعض روایات به این لفظ:

«يَمْلَأُهُا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

و به این لفظ:

«يَمْلَأُهُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ بَجْوَرًا وَظُلْمًا».

و در روایاتی به این لفظ رسیده است:

«بَعْدَ مَا مُلِئَتْ بَجْوَرًا وَظُلْمًا».

و در بعض دیگر به تقدیم ظلم بر جور.

این الفاظ مشهور و معروف است و علمای علم حدیث شیعه و سنتی در احادیث بسیار روایت کرده اند و یکی از احادیث که مانند دیگر احادیثی که به آن اشاره شد، مشهور نیست؛ اما جالب و شایان توجه است، این عبارت است:

«يَمْلَأُهُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمِهَا وَعَدْلًا بَعْدَ بَجْوِرِهَا

وَعِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا»؛<sup>(۱)</sup>

«خدا زمین را به وسیله حضرت مهدی علیه السلام پر از نور و روشنایی می کند بعد از تاریکی و ظلمت آن، و پر از عدل می کند بعد از جور و ستم، و پر از علم و دانایی می کند بعد از جهل و نادانی».

البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که در این حدیث، به آن اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی های برق پیدا می شود، نیست؛ بلکه مقصود تاریکی هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقّه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا می شود.

چنان که مقصود از نور هم نور حسّی نیست؛ بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجودان است.

و همچنین مراد از جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست؛ بلکه مراد همین جهله است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روز به روز رو به افزایش است.

و مراد از علوم، علوم حقیقت و دانایی ها و دانش هایی است که به انسان کمال می بخشد و او را از ظاهر این عالم به باطن آن می رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می گردد.

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰، باب ۲۴، حدیث ۵؛ منتخب الاثر، ص ۹۲، فصل ۱، باب ۷، حدیث ۲۴.

همانا واقعیت امر این است که از میان بندگان خداوند، تنها اهل علم و معرفت، او را عبادت می کنند، چنان که در قرآن مجید می فرماید:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ - مِنْ عِبَادِهِ الْعَلَمَاءُ»؛<sup>(١)</sup>

«جز این نیست که می ترسند از خدا دانایان از بندگانش».

عدل و قسط از اموری است که همه افراد بشر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل می نمایند و بالقطعه می خواهند همگان عادل باشند و به حکم و جدان خود نمی توانند حسن عدل و فضل شخص عادل را انکار کنند و اگر به زبان هم انکار کنند، در پیشگاه و جدان به فضیلت آن اعتراف دارند.

هدف از فرستادن پیامبران و نزول کتاب های آسمانی و قوانین و موازین محکم الهی برپایی امور مردم به قسط است، بر حسب این آیه شریفه:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولَّا النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛<sup>(٢)</sup>

«به تحقیق پیامبران خود را با ادله روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان عدل را نازل کردیم تا مردم به عدل برپا گردند».

عدل و قسط؛ خواه آنها را مانند دو کلمه مترادف دارای مفهوم واحد

١- سوره فاطر، آیه ٢٨.

٢- سوره حمید، آیه ٢٥.

بدانیم چنان که بعضی از مفسرین و اهل لغت گفته اند و قسط را مخصوصا در مواردی که به تنها بی استعمال شده است به عدل معنی کرده اند، چنان که ظاهر آن هم همین معنی است؛ و خواه برای آنها مخصوصا در مواردی که با هم در کلامی و آورده شده باشند معنای مشابه و مرتبط به هم در نظر بگیریم؛ هم شامل اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظمات مالی و اقتصادی و اجتماعی است، و هم شامل عمل به این حقوق و مقررات و تخطی نکردن از آنها، و هم شامل حکم به این نظمات است؛ بنابراین، حاکم عادل آن کسی است که نظماتی را اجرا می نماید که بر اساس قسط و اعتدال و تناسب مقرر شده باشد.

اما اگر قانون، ضعیف و ناقص تدوین شده باشد؛ مثل قوانین بشری، به کسی که آن قانون را اجرا می نماید، عادل اطلاق نمی شود. عدل حاکم بدون عدل قانون مفهوم پیدا نخواهد کرد، همان طوری که عدل قانون نیز بدون عدل مجری مثمر ثمر نخواهد شد.

انزال کتاب و میزان در آیه شریفه، اشاره به قوانین کافی و جامعی است که بر اینها نازل شده و در هر جهت حقوق و مقرراتی که بیان نموده اند، بر اساس قسط است.

در دین اسلام چنان نیست که کسی بتواند بگوید: جایی که دل راضی است، قسط ناخشنود است هر چند قسط را به معنی تعادل در نصیب و سهم بگیریم زیرا قوانین اسلام که به عقیده هر مسلمانی کامل و جهانی است، عدل در سهام و حقوق را رعایت کرده است، هر چند در

بعض موارد نکته آن بر ما یا عده‌ای معلوم نباشد؛ بنابراین هر حاکمی که احکام اسلام را اجرا نماید و هر کسی حکم بر طبق موازین اسلامی بدهد، حکم‌ش به عدل است، هم از این جهت که بر طبق آن موازینی حکم کرده که مطابق با قسط و عدل بوده؛ و هم از این جهت که خودش در این حکم از قانون خدا منحرف نشده است.

و خلاصه کلام این است که: عدل و قسطی که حضرت ولی عصر، صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشریف جهان را از آن پر می نمایند، معلول اجرای کامل احکام اسلام است که یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است و با اجرای آن، این مظاہر زرق و برق و بی کنترل متوفین و مرفهین از میان می رود و خصوصاً امکانات دولتی بیت‌المال همه در اختیار نیازمندان قرار می گیرد.

## به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه

در اینجا به علت طولانی شدن مقاله، از بیان سایر ویژگی های دولت کریمه و جامعه موعود معدودیم، می توانید با مراجعه به کتاب "منتخب الاثر" تألیف حقیر بخش های دیگر از این ویژگی ها را بررسی فرمایید اگرچه در آنجا هم موفق به استقصای همه ویژگی ها نشده ایم.

در پایان به عرض می رسانم: یکی از علل مهمی که موجب به وجود آمدن آن جامعه سالم است، تکامل عقول و رشد فکری مردم است که با توجه به این ویژگی، بسیاری از کمبودها و نواقصی که در اجتماعات کنونی است، مرتفع می شود. تنگ نظری ها و زور و زراندوزی در چنان جامعه وجهه همت همه یا بیشتر افراد نیست، زندگانی آنها در عین حالی که انواع تنعمات در اختیار افراد است، زندگی عقلانی و روحانی و انسانی است، همان اهداف و فضایلی که امروز هم باید شیعیان آن حضرت و منتظران آن دولت به آن آراسته باشند. و اگر این دعا را می خوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، تُعْزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُنْذِلُ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ»؛

«خداؤندا از تو خواستاریم دولتی گرامی که به وسیله آن اسلام

و مسلمین را عزّت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمرة خوانندگان مردم به سوی اطاعت تو قرار دهی».

عملًا. رغبت خود را به برقراری آن دولت و علاقه مندی خود را به عزّت اسلام و ذلت کفر و نفاق با حضور در صحنه های خدمت به اعلیٰ کلمه اسلام نشان دهنده و دعوت به راه خدا و دین خدا را قولًا و عملًا وجهه همت قرار دهنده و طوری خود را بسازند و به قوت ایمان و صبر و ایثار و جهاد و تلاش بیارایند که از بوته هر امتحان، بی غل و غش بیرون آیند تا از آنها باشند که مورد این بشارت بزرگ هستند.

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًا وَشَيَعْتَنَا صِدْقًا وَالْدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سِرًا وَجَهْرًا».

و هم این بشارت ها شامل حالشان باشد:

«طُوبى لِلْمُتَّقِينَ فِي عَيْتَتِهِ! طُوبى لِلّّهِيَّا بِرِّيَنَ فِي مَحَيَّتِهِ. أُولَئِكَ مَنْ وَصَيَّفُهُمْ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»».

وَعَجِلِ اللَّهُمَّ فِي ظُهُورِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ. وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ربيع المولود ١٤١٢

لطف الله صافی گلپایگانی قم

بسمه تعالیٰ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ  
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سورة زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سرہ الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسريع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب نقلین (کتاب الله و اهل الیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده‌ی نویسنده‌ی آن می‌باشد.

فعالیت‌های موسسه:

۱. چاپ و نشر کتاب، جزو و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه‌های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiye.com](http://www.ghaemiye.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌ساز، موبایل‌ساز، سامانه‌خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره‌های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه:

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان.

در پایان:

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقليد و همچنین سازمان‌ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

# دانشگاه علمی گردشگری موزه های ارشیو

www

برای داشتن کتابخانه های شخصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی  
**www.Ghaemiye.com**

[www.Ghaemiye.net](http://www.Ghaemiye.net)

[www.Ghaemiye.org](http://www.Ghaemiye.org)

[www.Ghaemiye.ir](http://www.Ghaemiye.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹